

گفت و گو با سام کلاتری به بهانه مستند «جایی برای فرشته‌ها نیست»

همزیستی فرشته‌ها

پریسا ساسانی
خبرنگار

مستند سینمایی «جایی برای فرشته‌ها نیست» تازه‌ترین فیلم سینمایی سام کلاتری با موضوعی به ظاهر ورزشی است که در حمایت از زنان و مهجوریت ورزش بانوان ساخته شده است. درواقع آنچه از بیرون ماجرا و قبل از دیده شدن فیلم توسط مخاطب برمی‌آید نوعی هیاهو برای دیده شدن، برندسازی یا حتی امتیاز گرفتن از جشنواره‌های خارجی برای حضور در آنها و دریافت جایزه است بخصوص اینکه عنوان فیلم به این تصویرپیش از دیده شدن تصویر کمک می‌کند. اما واقعیت فیلم «جایی برای فرشته‌ها نیست» حکایت دیگری دارد که تصور، برداشت نادرست و همه‌پیش‌داوری‌ها را از میان می‌برد و مخاطب با جهانی دیگر در جامعه امروز مواجه می‌شود، جهانی که صرفاً متعلق به زنان نیست و اتفاقاً مردان در این جهان سهم بسزایی دارند. سهمی که اساساً مردانه یا زنانه بودن فیلم را از اساس منتفی می‌کند. سام کلاتری در فیلم «جایی برای فرشته‌ها نیست» به دور از شعارهای معمول فمینیستی که در فیلم‌های زنانه مستند یا داستانی به فراوانی دیده‌ایم همراه با کاوه صدقی سرمربی تیم ملی هاکی بانوان ایران، راهی سفری پرماجر را برای رسیدن به هدف مشترک می‌شوند. سفری دردآلود برای مطالبه زنان این سرزمین در حوزه‌های مختلف بویژه ورزش مستحق آن هستند. سام کلاتری در گفت‌وگو با روزنامه ایران درباره چگونگی همراه شدن با دختران هاکی، مردان همراه داستان این دختران، جایگاه سینمای مستند برای ساختن فیلم‌هایی از این دست و بسیاری دیگر از مسائل صحبت کرده است.

■ آقای کلاتری برای آغاز درباره مستند سینمایی «جایی برای فرشته‌ها نیست» و موضوع ورزش بانوان که به آن پرداخته‌اید، صحبت کنید.

در ابتدا باید این نکته را یاد آور شوم که مستند «جایی برای فرشته‌ها نیست» فیلمی صرفاً ورزشی نیست و ورزش بهانه‌ای برای رسیدن به لایه‌های درونی دختران ورزشکار در جامعه است. درواقع قصه خود را بر ورزش سوار کردیم و اگر این فیلم یک اثر صرفاً ورزشی به‌نظر آید قطعاً این خطای من بوده است اما اگر مخاطب بعد از دیدن این فیلم این برداشت را داشته باشد که یک فیلم ورزشی و اجتماعی دیده است فکر می‌کنم به مفاهیمی که در ایده من وجود داشته نزدیک‌تر شده‌ام. حالا آیا این فیلم یک فیلم زنانه است؟ من نمی‌دانم مخاطب باید نظر دهد. ولی خیلی سعی کردم از نگاه جنسیت‌رده در فیلم پرهیز کنم. ■ فیلم‌های مستند یا داستانی درباره ورزش بانوان ساخته شده است ولی بیشترین وجه مقایسه این فیلم با مستند منصوریان «از صفر تا سکو» درباره خواهران منصوریان است که هر دو روی ورزش بانوان با محوریت مطالبه‌گری و خواست‌های مدنی متمرکز شده است.

دقیقاً. ببینید آنچه یک نویسنده می‌نویسد، یک فیلمساز می‌سازد یا هر آنچه تألیف می‌شود؛ به نوع زندگی و شرایط زیست و فضای ذهنی و اجتماعی است که افراد در آن بزرگ شده‌اند و خب فضای اجتماعی که من در آن بزرگ شدم از آغاز فرقی بین زن یا مرد بودن ندیدم و هیچ احساس برتری یک‌ی بر دیگری را لمس نکردم. من به چشم خود دیدم که مادر و پدرم کنار هم کار کردند و کمک حال خود بودند تا زندگی را بسازند. در نتیجه نوع نگاه جنسیتی که عمدتاً در مدرسه و خانواده از ابتدا برای کودکان وجود دارد من ندیدم. اما با ورود به جامعه این تفاوت‌ها را دیدم منتها ذهن و دیدگاه هم به این تفاوت قائل نبود و آنچه را که یاد گرفته یا مشاهده کرده بودم به عنوان جهان بینی فیلم به تصویر کشیدم. طبیعتاً مطالبه‌گری هم بخشی از فرهنگی است که از آن یاد گرفته‌ام.

■ نکته جالب این است که نگاه و

واقعیت دارد اگر فیلمی که نوعی ظلم و تبعیض را نشان دهد ساخته شود، نزد صاحبان جشنواره‌های خارجی پذیرفتنی‌تر خواهد شد.

■ جایی برای فرشته‌ها نیست» یک نگاه آراسته از ایران بخصوص همراهی مردان و زنان بایکدیگر را نشان می‌دهد. نگاهی که به هیچ عنوان مسالمت‌آمیز نیست بلکه فراتر از آن حرفی از جنس رفاقت و معرفت انسان به میان می‌آورد.

مارینا سرمربی تیم هاکی بانوان ایران، یک دختر فرانسوی بود که در بسیاری از تیم‌ها به‌عنوان سرمربی حضور داشته است. او می‌گفت خیلی از مسابقات بوده که تیم‌های فیلمسازی را همراه خود داشته است و ادامه داد که منتها این دفعه عجیب‌ترین نوع همراهی را تجربه کرده‌ام و می‌خندید و می‌گفت که «من نمی‌دونم ما می‌خواهیم برویم مسابقه بدھیم و یک گروه فیلمسازی با ما است یا نه تیم برای ساختن یک فیلم راهی مسابقات می‌شود» درواقع آنقدر بی‌آزار کنار هم بودیم که به همه مدلی و رفاقت رسیدیم؛ دقیقاً همان نگاهی که شما اشاره کردید. نگاه مسالمت‌آمیز نبود بلکه به زعم من یک همزیستی عاشقانه بین تعدادی از افراد بود.

■ با وجود رویکردهایی که در ساخت فیلم در نظر داشتید و عملی کردید، چرا اسم فیلم را «جایی برای فرشته‌ها نیست» گذاشتید؟

کاره صدقی در فیلم یک جمله‌ای را می‌گوید که اسم را از آن گرفتیم. درواقع یک شیئنت کردیم که تا کسی فیلم را نبیند احساس و برداشت دیگری به مفهوم فیلم خواهد داشت. یعنی اولین تصویری که مخاطب از فیلم در پوسترمی ببیند یک تصویر زنانه و ورزشی است و زمانی که اسم فیلم را می‌خواند ناخواسته تصور دیگری از موضوع مستند دارد. درواقع عنوان «جایی برای فرشته‌ها نیست» تولید معنا و مفهوم می‌کند.

■ یک نکته دیگر اینکه این فیلم می‌تواند به فرهنگ مرد سالارانه یک توصیه‌بکند.

چندی پیش با حامد شکیبانیایی یکی از تهیه‌کنندگان فیلم صحبت می‌کردم و بعد سؤال می‌کردم اگر این فیلم زودتر اکران می‌شد و پدر، برادر و همسر دخترانی که در خردادماه امسال به قتل رسیدند این فیلم را اتفاقی می‌دیدند، آیا می‌توانست تأثیری بر زندگی و زنده بودن قربانیان قتل‌های نااموسی بگذارد؟ یا اصلاً چاره راه دور برویم. اگر فیلم خانه پدری اکران می‌شد افراد وجود داشت و اگر غیر از این بود وضعیت را نشان می‌دادیم. جالب است که بداندین این همراهی در میان تیم هاکی بانوان و خانواده‌های آنها به گونه‌ای است که خیلی از جشنواره‌های خارجی دوست ندارند چهره‌ای چنین همراه، یکدست در روابط موجود بین افراد که در فیلم می‌بینیم نشان دهند. بخصوص دیدن روابطی از این دست در ایران دورا انتظار جشنواره‌های خارجی است. اما به نظر می‌رسد در فیلم «جایی برای فرشته‌ها نیست» این واژگان بدرستی تئوری توطئه بیان می‌کنم. اما متأسفانه



حسین کمالی

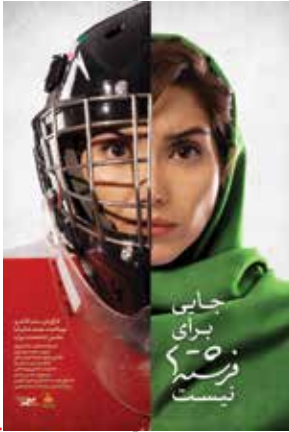
رویاهایمان را زندگی کنیم

آرزو ایزدی

دروازه بان تیم ملی هاکی دختران

تقریباً ۳ سال و نیم پیش بود که ما در اردوی تیم ملی بودیم و کارگردانی به‌نام سام کلاتری ایده ساخت مستندی از تیم ما را مطرح کرد. در آن زمان ما خودمان را برای مسابقات جهانی آماده می‌کردیم که متأسفانه اعزام کنسل شد. بعد از یک سال اردوهای ما این‌بار برای مسابقات آسیایی که قرار بود تو کره جنوبی برگزار بشود شروع شد. سام کلاتری از روز اول در تمام تمرینات و شاید بهتر است بگویم در تمامی آن روزها کنار تیم بود و تمام لحظات، سختی‌ها، مشکلات و روزهای خوب و بد ما را ثبت کرد و عضوی از خانواده ما شد و از هیچ کمکی برای موفقیت این تیم دریغ نکرد و حاصل این ماجرا مستندی شد به‌نام «جایی برای فرشته‌ها نیست». مستندی که شاید به جرأت بتوانم بگویم مسیر این ورزش و حتی زندگی ما را تغییر داد. در آن روزهای

اول اردو و فیلمبرداری شاید هیچ‌کسی یک همچین روزی را تصور نمی‌کرد که این تیم با تمام مشکلات و کمبودها بتواند به مسابقات برود و با دست پر برگردد و در نهایت امروز بتوانیم حاصل تمام آن تلاش‌ها را به تصویر زیبای این مستند ببینیم. کاوه صدقی می‌گوید ما از هیچی همه‌چی ساختیم و کاملاً تیم‌پسرها ورته سوم اما شیرین برای تیم دخترهاست که شاید کسی که ۳۰ سال از عمرش را وقف این ورزش کرد و در تمام این سال‌ها با تمام وجود کنار تیم خود ایستاد شاید بهتر است بگویم که او جنگید و امروز ثمره این سفرش قهرمانی آسیابری تیم‌پسرها ورته سوم اما شیرین برای تیم دخترهاست که شاید اگر او نبود خیلی از این اتفاق‌ها نمی‌افتاد. این مستند زندگی ما را به‌عنوان دخترهایی با تمام مشکلات و محدودیت‌های آشنا که در جامعه ما وجود دارد به تصویر کشیده، اینکه فارغ از جنسیت و تمام این مشکلات خواستیم، جنگیدیم، رویاهايمان را به هدف خود تبدیل کردیم و به دستش آوردیم. اما موضوع این مستند فقط تیم ملی هاکی دخترها و سختی‌ها و تلاش‌های آنها نیست. این مستند تصویر جدیدی از مردان این سرزمین در قامت پدر، همسر، برادر و مربی را نشان می‌دهد. دیدن تصویر پدرانی که برای موفقیت دخترانشون حاضر هستند از تمام دست رنجهشان بگذرند، شورانی که خودشان را رابر همسرانشان می‌دانند، سرمربی مردی که کنار یک مربی زن برای تیمش تلاش می‌کند و دخترانی که برای تحقق رویاهايشان سرسختانه می‌جنگند، تواین روزهای تلخ جامعه ما خالی می‌زند امید وامید است. مشکلات همیشه وجود دارد و شاید در جامعه ما جنس مشکلات برای دخترها متفاوت‌تر باشه اما زندگی همیشه جریان داره و با تلاش قطعاً می‌توانیم هر مانعی را از سر راهمان برداریم و رویاهايمان را زندگی کنیم. امیدوارم این مستند بتواند نور امید را تو زندگی همه بویژه دختران سرزمینمان روشن کند.



طراح پوستر: مهدي نگاه مشاي

کار هم دارم. منتها فعلاً متمرکز روی این فیلم هستم.

■ فیلم‌هایی از این جنس که مطالبه‌ای را مطرح می‌کنند بعد از دیده شدن تا چه اندازه به دریافت آن حق و مطالبه به جامعه آماری مورد نظر کمک می‌کند؟

نمی‌دانم تا چه اندازه از دریافت این حق به کارگردان مربوط می‌شود. اما در حال حاضر نسبت به لحظه لحظه دیده شدن این فیلم حساس هستم و ثانیه به ثانیه همه موارد را مرور می‌کنم. اصولاً از آن دسته از کارگردان‌هایی نیستم که بعد از تولید فیلم را رها کنیم و اگر هم پای این فیلم ایستادم به خاطر کسب در آمد بیشتر نیست بلکه علاقه‌مند هستم فیلم در شرایط کنونی توسط مخاطب دیده شود. چون برگشت پول این فیلم به معنای واقعی زندگی هیچ یک از ما را تکان نمی‌دهد. اما برای من مهم است که فیلم ساخته شده درباره زنان جزء فیلم‌های پر فروش تاریخ معاصر سینمای مستند شود چون اگر پسوند «ترین» پشت فیلم باشد تا سال‌های سال دیده خواهد شد.

■ سؤالم را به گونه‌ای دیگر مطرح می‌کنم. به‌عنوان یک مستندساز، سینمای مستند در درازمدت تا چه اندازه توانسته به تحقق مطالبه‌گری بانوان کمک کند؟

معتقدم دهه پیش رو ده‌ای متعلق به سینمای مستند در جهان است و معلوم است سینمای مستند مطالبه‌گر بخصوص در حوزه زنان است و می‌تواند قدم‌های مؤثری بردارد. چرا که زمینه و بستر آن فراهم شده است و سینمای مستند در بین مردم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است. بویژه اینکه سینمای مستند چشم بسیار خوبی در روایت کردن موضوع کرده است و اساساً روایت در سینمای مستند در جهان تغییر کرده است که البته در این زمینه ایران عقب‌تر است. منتها با فیلمسازان درجه یکی که در عرصه سینمای مستند داریم قطعاً خیلی سریع با سینمای روز دنیا همگام می‌شویم. بنابراین اعتقاد دارم مطالبه‌گری در دهه پیش رو از سینمای داستانی جلوتر است.

■ آیا باکران آنلاین فیلم کنار آمده‌اند؟

جشنواره فیلم فجر که تمام شد آمده

اکران‌های خارجی می‌شدیم که کووید۱۹

گیربان دنیا را گرفت، در این شرایط هر

سینما همواره در طول تاریخ تأثیرگذار بوده

است. سینما می‌توانست در تغییر مفهوم

واژگانی چون تعصب مؤثر باشد. به اعتقاد من

تعصب غیرمنطقی و کورکورانه در هر دین و

مسلكی واژه‌ای نکوهیده است و فضا و مفهوم

هم‌اندیشی و گفت‌وگو را کور می‌کند

و تجربه آمد دنبال اکران فیلم که من مخالفت کردم اما گفتند که فیلم حرف از امید و داشتن روحیه خستگی‌ناپذیری می‌زند و در این شرایط به حال خوب مردم کمک می‌کند. خب اکران بدی در سینماها نداشت. بعد از آن در اکران آنلاین فرصت دیگری فراهم شد تا از ظرفیت دیگری نیز استفاده کنیم و خوشبختانه با صدا و تصویر خوب در پلتفرم‌های موجود نمایش داده شد.

■ آیا با داندلود و قاجاق فیلم مواجه شدید؟

چرا اتفاقاً فیلم قاجاق شد ولی واقعاً

برای من مهم نیست. چون می‌دانم

مخاطب فیلم «جایی برای فرشته‌ها

نیست» در هر شرایطی چه اکران آنلاین و

چه اکران در سینما برای دیدن این فیلم

بلیت می‌خرد. چون معتقدم این شیوه

در درآمدت راه و روشی برای دیدن فیلم

مستند است. در واقع فرهنگ مستند دیدن

را ترویج می‌کند. و این مهم بخشی از

مسئولیت مرا سبک‌تر می‌کند.

آنچه می‌خوانند و سربلندی میهن‌شان به معنای واقعی جنگیدند. حالا یک فیلمی ساخته شده که فارغ از نگاه سیاسی به دنیا نگاه می‌کند و می‌گوید ما ایرانیان زنان ارزشمندی داریم که دختران تیم هاکی نمونه‌ای از آنها هستند و حالا برخی دوست ندارند ایران ما را از تریبون‌های خود به این آراستگی ببینند. به همین دلیل است که مدام دنبال عیب‌جویی هستند و عامدانه روی این بخش از طبقه اجتماعی چشم بسته‌اند. چون اگر بداندند در ایران چنین طبقه‌ای با چنین نگرشی وجود دارد شاید احساس خطر بکنند. اگر بتوانیم فضای رادیکال را بخصوص از رسانه دور کنیم، دیگر خیلی مهم نیست که دوست دارند چگونه ما را ببینند.

■ حضور بین المللی و عیب جویی‌های بخصوص رسانه‌ای یک طرف ماجرا است اما واقعیت این است که گاهی درون خانواده هم دچار کج اندیشی و عیب جویی می‌شویم.

اگر بتوانیم با هم دیالوگ برقرار کنیم دیگر مهم نیست آن سوی آب‌ها چه درباره ما می‌گویند اما متأسفانه مشکل ما از گفت‌وگو نکردن با یکدیگر است. یک مستندساز را در نظر بگیرید برخی مسائل را می‌بیند که به تصویر می‌کشد و در عین حال راهکار هم نشان می‌دهد اما در نتیجه دیالوگ برقرار نکردن به سیاه نمایی متهم می‌شود. این در حالی است که مستندسازی که وطنش را دوست دارد و دلسوزانه پای آن ایستاده به سیاه نمایی متهم می‌شود که این به دور از انصاف است. به همین دلیل در نتیجه صحبت و گفت‌وگو کردن می‌توان اندیشه‌ای را نقد کرد اما نمی‌توان برچسب سیاه نمایی به آن نسبت داد.

■ فیلم «جایی برای فرشته‌ها نیست» فیلمی است که بر پایه دیالوگ ساخته شده است که مصداق آن هم کاراکتر کاوه صدقی سرمربی تیم ملی هاکی بانوان است. که در طول روایت فیلم هم می‌بینیم که با دیالوگ و گفت‌وگو کردن سخن می‌گوید و مسائل را مطرح می‌کند.

قبل از سفر با کاوه گپ می‌زد. او می‌گفت دوست دارد واژه‌هایی چون

نمی‌شود، نمی‌توانم و نمی‌گذارند را از

دایره لغات آنها پاک کند. به همین دلیل

بود که با آنها بسیار صحبت می‌کرد و این مستند سینمایی هم برگرفته از همین نوع نگاه بود و به همین دلیل هم بود که من سعی کردم به سهم خودم و با همین نگاه کنار تیم هاکی بانوان بایستم. کل فیلمبرداری مستند «جایی برای فرشته‌ها نیست» ۳۵ روز در طول ۲ سال و اندی طول کشید و خب بسیار صوری کردیم.

■ ساختن مستندهایی از این دست با توجه به روحیه و ساختار مطالبه‌گری که در لایه‌های درونی خود دارد، سخت است. آیا پس از گذراندن تجربه‌ای از جنس این مستند، بازهم سراغ سوزهای از جنس مطالبه‌گری اقصا ر مختلف جامعه می‌روید؟

کار فیلمسازی سخت است و اصولاً هر کاری که افراد درست انجام دهند سخت و طاقت فرسا است منتها عشق و علاقه به کار سختی را از بین می‌برد و خب باید بگویم بله حتماً سراغ فیلم دیگری از این جنس می‌روم. کاملاً اینکه طرح‌هایی برای

چه بسا رقیب آنها خارج از میدان بازی بسیار چغر و قدرتر از حریف آنها در میدان بازی باشد. آنها باید ابتدا از سد آنها بگذرند تا بتوانند در میدان بازی به مقابله با حریف بروند. آنها با مقاومت و ایستادگی خود به سطحی از پیروزی می‌رسند که اشک شوق و گاه اشک ندامت همان مردانی را درمی‌آورند که با ورزش کردن آنها مخالف بودند. مثلاً بغضی در گلوبدری مواجه می‌شویم که می‌گوید اشتباه کرده و فهمیده نباید جلوی موفقیت دخترش را می‌گرفته. سام کلاتری ضمن روایت جذاب این فراز و فرودها به خوبی توانسته از این ورزشکاران زن در خدمت مستند خود و قصه‌اش استفاده کرده و به خوبی آنها را هدایت کند. کلاتری در این باره گفته است: «در مستند برخلاف یک فیلم داستانی نمی‌توان این افراد بازی گرفت چرا که اساساً این سال‌ها دست کارگردان نیست. اما می‌توان طراحی‌هایی در فضای مستند داشت که



نیست. واقعیت این است که در این مستند زنان به نوعی به هم‌اوردی با موقعیت مردانه می‌روند. هاکی اغلب به‌عنوان یک ورزش سخت مردانه شناخته می‌شود اما در اینجا شاهد پیروزی زنان در میدان هاکی هستیم. برای کلاتری زن در میدان هاکی یک خط بر طغان می‌کشد و ثابت می‌کند که رشته‌های ورزشی زن و مرد نمی‌شناسند. شاید اگر ورزش‌های دیگری که سوبیه زنانه آن پررنگ است رشته ورزشی شخصیت‌های مستند بود

خوب با هم برمی‌گردد به برداشت من

به‌عنوان کارگردان به این واژگان. ببینید من

به شخصه فارغ از هر نگرشی پرچم مملکت

برود زنان به عرصه‌های در اینجا

می‌شود، روایتگر جزئیات زندگی ورزشکاران

زن در ایران هم است؛ زنانی که برای گذشتن

در واقع آنها به نگاه جنسیتی در ورزش خط

بطلان می‌کشد و ثابت می‌کند که رشته‌های

ورزشی زن و مرد نمی‌شناسند. شاید اگر

ورزش‌های دیگری که سوبیه زنانه آن پررنگ

است رشته ورزشی شخصیت‌های مستند بود

درباره «جایی برای فرشته‌ها نیست»

از صفر تا سکوی هاکی



رضا مامنی

اگر مستند «از صفر تا سکو» را دیده باشید و از تماشای آن لذت برده باشید به احتمال زیاد از تماشای «جایی برای فرشته‌ها نیست» هم

لذت می‌برید. وجه اشتراک هر دو مستند تاش جاناتان دختران ایرانی برای اثبات خود است و در اینجا با دختران تیم ملی «اسکیت هاکی» ایران و مشکلات و چالش‌های آنان در راه مسابقات آسیایی کره مواجه هستیم. چه در فیلم‌های داستانی و چه در سینمای مستند هموری که قهرمان و مبارز او برای مخاطب جذاب است و شاید این جذابیت در قهرمان یا قهرمانان زن بیشتر از مردان

باشد. از این حیث «جایی برای فرشته‌ها نیست» از تعلیق و کشش درون متنی و بیرون متنی برخوردار بوده و مخاطب را با قهرمان‌های خود همراه و همدل می‌کند. قهرمان‌های ورزشکاری که نه تنها باید برای پیروزی در میدان بازی بجنگند که باید بیرون از میدان مسابقه هم با موانع بیرون‌متنی مبارزه کنند. از مخالفت خانواده‌هایی به مخالف ورزش کردن دخترانشان بودند تا عدم حمایت و پشتیبانی نهادهای سازمان‌های ورزشی از آنها و حتی ذهنیت‌های غلط و کلیشه‌ای در جامعه و افکار عمومی نسبت به آنها به‌عنوان ورزشکار دختر، این فضا و موقعیت و قصه را به نوعی در فیلم «عرق سرد» هم شاهد بودیم. اگرچه صحنه‌ها و لحظات باخت

آنها زندگی خودشان را داشته باشند، اما فضا با اتفاق‌هایی را هم خلق کنند. اولین نکته‌ای که من در «جایی برای فرشته‌ها نیست» در نظر گرفتم این بود که سعی کردم با همه اعضای تیم دوست و به آنها نزدیک شوم و در ادامه با توجه توانمندی هر کدامشان در زندگی واقعی‌شان قصه‌ای را تعریف کنم»

«جایی برای فرشته‌ها نیست» می‌تواند

برای مخاطب یک نگاه و پیشنهاد عملی و

اخلاقی در نسبت با زنان زندگی خود داشته

باشد که اگر پدر است به دختر خود بیشتر

اعتماد کند و اگر شوهر است از همسر خود

بیشتر حمایت کند. فستندی که می‌تواند

اعتماد به نفس مخاطبان زن را افزایش

داده و خودباوری آنها را تقویت کند. چه مرد

باشد چه زن از تماشای این مستند لذت

می‌برد و حالتان خوب می‌شود. خب این خوب

مهم‌ترین چیزی است که این روزها به آن

نیاز داریم.